

رودررو با حجم

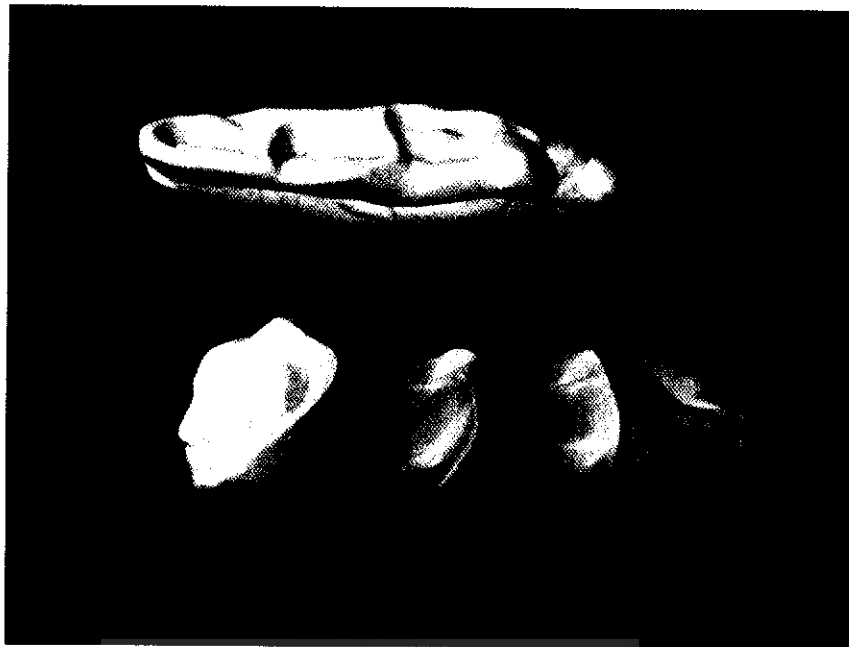
دکتر بهنام کامرانی

پنجمین دوسالانه مجسمه سازی معاصر تهران را باید ادامه‌ای بر تجربیات پیشین محسوب کرد؛ مجموعه‌ای که با همه قوت و ضعف هایش کمابیش برآیندی از مجسمه سازی امروز ایران به دست می‌دهد. مجسمه سازی هنری است که با افت و خیزهای بسیار در تاریخ چند هزار ساله تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. این رشته هنری در ایران پرزحمت، پر هزینه و هنوز دچار سوء تفاهم است. مجسمه سازان در همه جا نیازمند کارگاه‌های تخصصی و حمایت‌های دولتی و خصوصی هستند. در غیر این صورت محصولاتی با دامنه ابعاد و مخاطب محدود تولید خواهد شد که فاقد اثرگذاری جمعی است. می‌توان مشکلات مجسمه سازی در ایران را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- مسئله اقتصادی: اعم از هزینه‌های کارگاه، مواد و ساخت و حمل و نقل و نصب و بازاریابی و فروش
 - ۲- مشکل آموزشی: تعداد دانشگاه‌هایی که در مقطع لیسانس مجسمه ساز تربیت می‌کنند، دو عدد است که البته با توجه به نبود بازار کار زیاد و با توجه به جمعیت و وسعت مناطق ایران کم است. کارگاه‌های مجسمه سازی هم به فضای کافی، مصالح مجسمه سازی، وسایل و کوره نیاز دارند که همواره کمبودهایی در این زمینه وجود دارد.
 - ۳- کمبود مبانی نظری: مجسمه سازی معاصر ایران فاقد پشتوانه‌های فکری همه گیر یا دوره‌ای است و مجسمه سازان حرفه‌ای نیز گاه مجبورند به سفارش‌هایی تن دهند که بیشتر بر خواست سفارش دهنده استوار است تا استقلال فکری و زبانی مجسمه سازی. این مطلب از محدودیت زبانی مجسمه‌های شهری مشخص است. در کنار این مطلب باید به کمبود نشریات تخصصی و محقق و منتقد برای این رشته اشاره کرد. تلوویزیون نیز برنامه‌های نادری را به این رشته اختصاص داده که آن هم در فواصل بسیار طولانی است و گاه حتی اتفاقی! همچنین دسترسی دانشجویان به منابع تاریخی خودی محدود است و کمبود چاپ کتاب‌های مرتبط با مجسمه سازی ایران و جهان از نقاط ضعف آشکار این رشته است.
- با توجه به این نکات، روشن است که این مشکلات نمود خود را در کیفیت و نحوه نمایش آثار منعکس خواهد کرد. البته دوسالانه، مجموعه‌ای است که می‌تواند قضاوتی کلی از فضای مجسمه سازی امروز به دست دهد و نباید فراموش کرد که روند مجسمه سازی، روندی رو به رشد بوده و در این میان باید به تشکیل انجمن مجسمه سازان، نمایش آثار خارجی، به ویژه در زمان مدیریت قبلی موزه هنرهای معاصر، سفر هنرمندان و شرکت آنها در نمایشگاه‌های خارج از کشور و پرداختن به رویه‌های جدید و توجه بیشتر به مسائل روز در تدریس مجسمه سازی و دیگر مؤلفه‌هایی که نوید پیشرفت این رشته را می‌دهند اشاره کرد. و اما در ادامه به مهم‌ترین مشخصه‌های دوسالانه پنجم اشاره می‌شود:

نقاط قوت

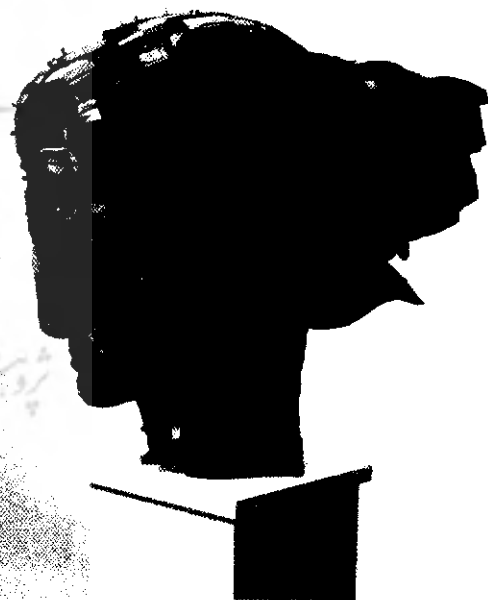
- ۱- تنوع مصالح
- ۲- گستره زبانی متنوع
- ۳- حضور پررنگ جوانان
- ۴- چیدمان کمابیش مناسب
- ۵- خبرنگار دوسالانه
- ۶- به روز بودن نسبی آثار
- ۷- استفاده از دو داور و منتقد خارجی در کنار داوران ایرانی



حمیدرضا عینی

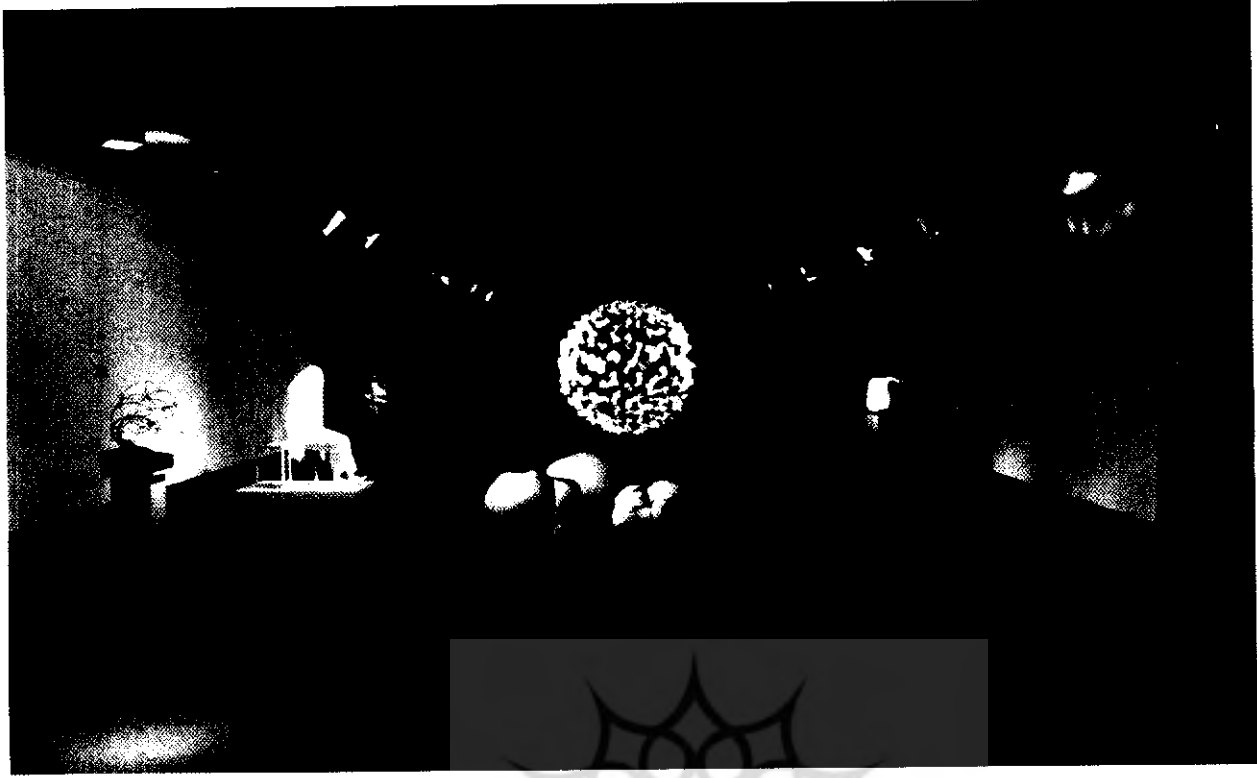


مهسا تهرانی



منصور طیب زاده





محمد حسین عماد



امیر سبنا طاهری

بیژن نعمتی

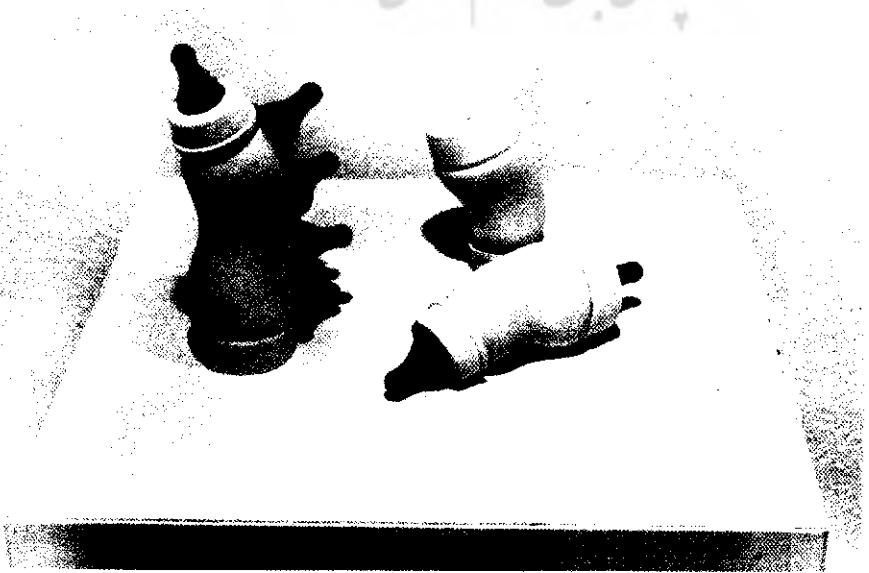


محمد حسین عماد

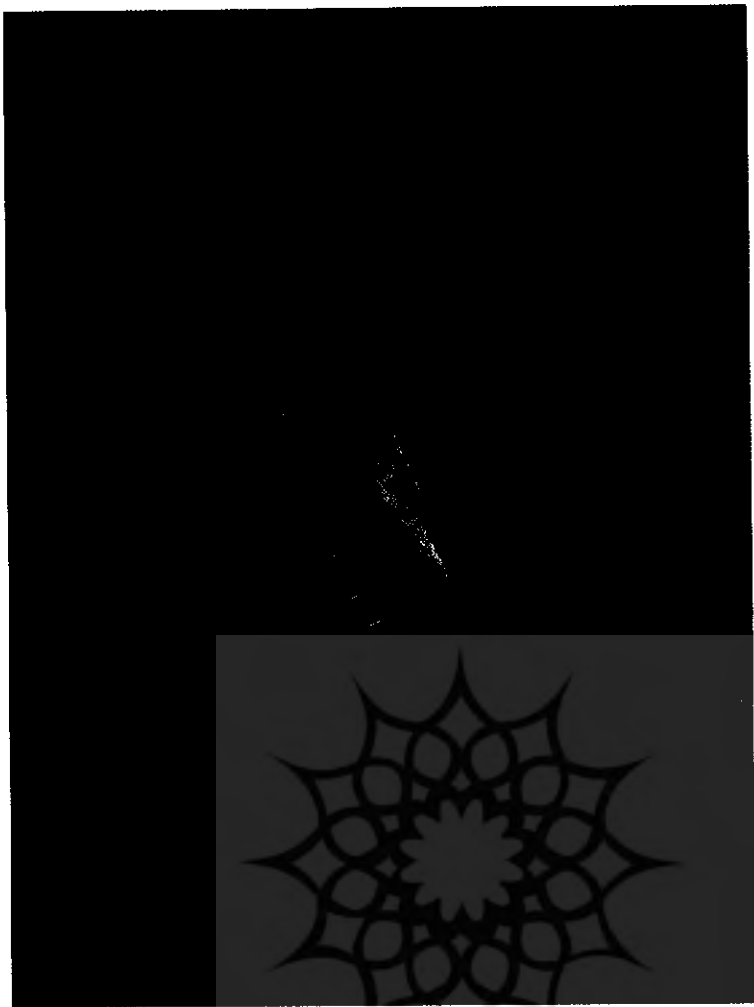


پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

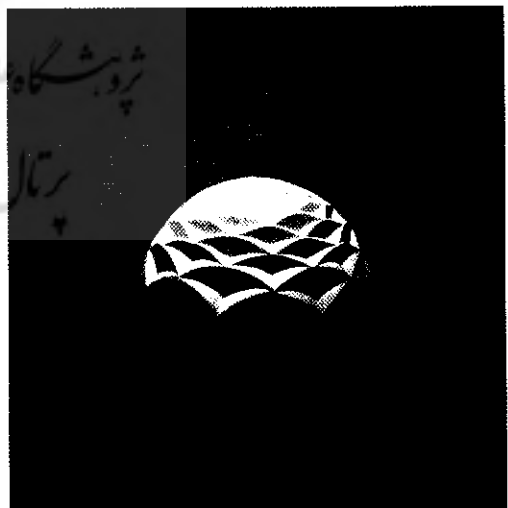
سارا رومی صفت



محمد حسين عماد



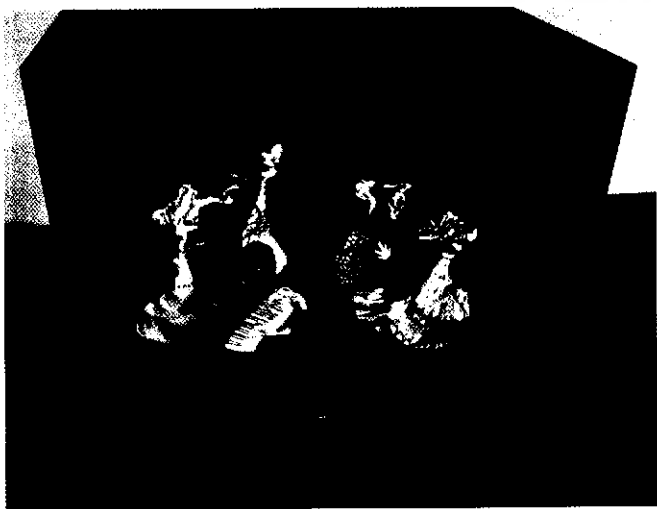
ابراهيم خلیل



محمد رضا عزيزی

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مهسا خازنی



نقاط ضعف

- ۱- فقر هویت (که در این جا منظور از هویت تنها حضور آرایه‌های مشخص دوران‌های قبل نیست، بلکه دریافت همه جانبه‌ای نسبت به موقعیت فرهنگی معاصر ایران است.)
 - ۲- ضعف اجرایی که بیشتر در میان شرکت‌کنندگان جوان دیده می‌شود
 - ۳- عدم دسته‌بندی پژوهشی و کمبود اطلاعات برای مخاطب عام
 - ۴- رنگ و فضا سازی پوستر نمایشگاه که حتی برخلاف موضوع کلی نمایشگاه به نظر می‌رسد
 - ۵- نبود محدوده‌ای تعریف شده در مورد رسانه‌های مربوط به مجسمه
- دوسالانه پنجم مجسمه سازی معاصر ایران این نکته را دوباره یاد آور می‌شود که باید دوسالانه‌هایی تجسمی و با تمام رسانه‌های هنری و البته بین المللی برگزار کنیم، که در این صورت بسیاری از کمبودهای مجسمه سازی نیز مرتفع خواهد شد.

بعضی از آثار ویدئویی نمایشگاه، که نه گزارشی از تجربه مجسمه سازی (به مانند تعدادی از ویدئوهای به نمایش درآمده)، بلکه نشان دهنده تجربه‌ای هستند که منحصر به مجسمه سازی نیست، این نکته را یاد آور می‌شود که نمایشگاه‌های همه گیر برای این آثار می‌باید تعریف گردند. امروزه در معدود مناطقی از جهان که دوسالانه‌های مجسمه سازی برگزار می‌شود تعریف مجسمه در عین گستردگی محدود به رسانه‌هایی است که حجم یا فضایی اشغال می‌کنند و در آنها ساخت یا استقرار مهم است.

گوشزد کردن این نکات کلی تنها به جهت ارتقای سطح مجسمه سازی است و بدیهی است که برگزاری دوسالانه‌های مجسمه سازی و مسیر رو به رشد آنها را باید به فال نیک گرفت و به خصوص توجه جوانان به این رسانه می‌تواند نوید بخش حرکت‌های پویانده‌ای در این رشته باشد. امید است که این اقبال مورد توجه و برنامه ریزی مدیران فرهنگی و هنری قرار گیرد تا کمبودهای این رشته نیز مرتفع گردد.

آثار ارائه شده در دوسالانه پنجم را نیز می‌توان در شاخه‌های زیر بررسی کرد.

- ۱- آثار بازنمایانه با اندکی دخل و تصرف در بافت یا همراه با برش‌های حجم پردازانه
- ۲- آثار فرمالیستی با تأکید بر ماده به نمایش درآمده و گاه با تأکیدی مفهومی
- ۳- آثاری با روحیه «ناتیو» و با پرداختی خام دستانه
- ۴- مجسمه‌های معطوف به شیء (objective sculpture) که غالباً بر اساس چیدمان نظام یافته‌اند
- ۵- مجسمه‌های مفهوم گرا که در آنها جنبه‌های زیباشناسانه کمتر و رویکرد مفهومی بیشتر غلبه دارد
- ۶- مجسمه‌های نوری که یا با تاباندن نور و یا با مواد نورانی جلوه‌ای دیگرگون می‌یابند
- ۷- آثار محیطی که در جایی دیگر و بیشتر در طبیعت اجرا شده‌اند.

شایان ذکر است که این تقسیم بندی کلی و نسبی است، چرا که بعضی از مجسمه‌ها ممکن است هم زمان چند ویژگی را با هم داشته باشند؛ اما می‌تواند در برگیرنده تنوع آثار به نمایش گذاشته باشد.

کوروش گلناری و محمد حسین عماد آثار خود را بر اساس کشف امکانات تازه قضا و ماده متمرکز کرده‌اند و با گرایشی معنوی سعی در تمرکز بر این مؤلفه‌ها داشته‌اند که از آثار برتر این دوسالانه محسوب می‌شوند. بیژن نعمتی شریف نیز مثل دوره پیش آثار موفقی را بر اساس طنز و روحیه‌ای «شبه سوررئالیستی» به نمایش گذاشته و از رنگ آمیزی برای شخصیت پردازی آثارش بهره گرفته است.

النا نبی الهی، محسن فولادوند، حمیدرضا جدید، مونا رستم نژاد و مهسا خازنی آثاری با اجرایی همراه با طنز یا خام دستی به نمایش گذاشته‌اند که این روحیه کمتر در دوسالانه‌های پیشین دیده شده است.

نعیمه نعیمی، محمدرضا عزیزی و مهسا تهرانی با ارجاعات به طبیعت و توالی‌های جذاب هر کدام با ماده‌ای متفاوت سعی در کشف زبان تازه‌ای دارند. مهسا تهرانی با ارجاعاتی به بافتگی بر هنر زنانه نیز تأکید کرده است؛ نکته‌ای که به شکلی دیگر در بافتنی و پستانک‌هایی به شکل مجسمه‌های آماده با اندکی دخل و تصرف در آثار سارا روحی صفت تأکید می‌شود.

کامبیز صبری نیز از شکل‌های توری مانند مجسمه‌های خاص خود را به نمایش گذاشته است.

حسین نوبهاری، محمود پوربخشی، محمدرضا عینی و امیرسینا طاهری، با مواد مختلف سعی در کشف فرم دارند. منصور طبیب زاده و فاطمه امدادیان نیز از مجسمه سازان با سابقه‌ای هستند که ساخت چوب را با کند و کاو در شکل همراه کرده‌اند. احمد نادعلیان و شیوا صادق زاده نیز گزارشی از آثار محیطی خویش را به نمایش گذاشته‌اند.

در پایان، باید تأکید کرد که کمیت آثار ارائه شده قابل قبول به نظر می‌رسد، اما روح به نمایش درآمده در آثار کمتر به جو فرهنگ ایرانی اشاره دارد. البته نشان دادن این ویژگی در مجسمه سازی گاهی هم دشوار است و هم احتیاج به نقد فعال و مطالعات فرهنگی منسجم دارد که در حال حاضر کمتر داریم. اشاره به بعضی از آثار تنها به دلیل دسته بندی و هم تأکید بر موفق‌های دوسالانه است و مثال‌های دیگری نیز می‌توان ذکر کرد، اما به نمونه‌هایی بسنده شده است. با این امید که مجسمه سازی معاصر و جوان ایران روز به روز بالنده تر و پویاتر باشد و بتواند عرصه‌های بین المللی را نیز فتح کند.